



شهد الراوی
ترجمه مهدي غبرایی

ساعت بغداد

www.ketab.ir

Rawi, Shahd

راوی، شهد

ساعة بغداد: رواية فارسی

ساعت بغداد / شهد الراوی، ترجمه مهدی غبرائی - تهران: نشر ثالث، ۱۳۹۸.

۳۰۶ ص. مصور.

ISBN 978-600-405-540-6

شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۵۴۰-۶

The Baghdad Clock

عنوان اصلی:

Arabic Fiction-20th Century

دوران ادبی: قرن ۲۰ م.

نویسنده: مهدی، ۱۳۲۴ - مترجم.

۸۹۲/۷۳۶

PJ ۰۸۶۶

شماره کتابشناسی ملی ۶۱۰۴۱۴۸



دفتر مرکزی: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه چهارم

فروشگاه شماره ۱: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۴۸

فروشگاه شماره ۲: آتیه باستان / مجتمع ایران مال / طبقه G3 / شماره ۱۸۳

توزیع: خیابان کریمخان زند / بین ایرانشهر و ماهشهر / پ ۱۵۰ / طبقه همکف

تلفن گویا: ۷-۸۸۳۲۵۳۷۶-۸۸۳۰۲۳۷-۸۸۳۱۰۵۰۰-۸۸۳۱۰۷۰۰-۸۸۸۶۱۶۶۶

سایت اینترنتی: www.salepublication.com

پست الکترونیکی: info@salepublication.com - salesspub@gmail.com

■ ساعت بغداد

● شهد الراوی ● ترجمه مهدی غبرائی ● ناشر: نشر ثالث

● مجموعه ادبیات ترجمه

● چاپ اول: ۱۳۹۹ / ۱۱۰۰ نسخه

● لیتوگرافی، چاپ و صحافی: نشر ثالث

● کلیه حقوق محفوظ و متعلق به نشر ثالث است.

ISBN 978-600-405-540-6

● شابک ۹۷۸-۶۰۰-۴۰۵-۵۴۰-۶

فهرست

۹.....	یادداشت مترجم.....
۱۱.....	ساعت بغداد: زمانی از آن راقم...انی در جستجوی زمان از دست رفته.....
۱۳.....	ماشین شکسته.....
۱۴.....	امید آینده.....
۱۷.....	کتاب اول: کودکیِ اشیای واضح.....
۸۳.....	نامه‌هایی از عالم غیب.....
۱۵۵.....	آیا می‌ترسم؟.....
۲۵۹.....	کتاب دوم: آینده.....
۲۹۹.....	پایان سخن.....
۳۰۱.....	مصاحبه با شهید الراوی.....

یادداشت مترجم

شهد الراوی در ۱۶ در بغداد به دنیا آمده است. نخستین رمانش، ساعت بغداد، در سال انتشار (در بیست و هشت سالگی) به چاپ سوم رسیده است. در حال حاضر در دبی دوره دکترای انسان‌شناسی را طی می‌کند. این رمان را لوک لیفترن، استاد دانشگاه آکسفورد سه سال پس از انتشار به زبان عربی به انگلیسی ترجمه کرده. او رمان‌های بسیاری از عربی ترجمه کرده است.

بنا به دلایلی که گویا ریشه‌های تاریخی دارد و حتماً به منش این‌جا نیست، رمان‌های عربی در ایران با استقبال درخوری روبرو شده است، البته در چند دهه اخیر مترجمان عربی شایسته‌ای به عرصه پیدا، اند و کمابیش سراغ رمان‌های عربی رفته‌اند که سعیشان مشکور باد.

اما این رمان مرا سخت مفتون کرد و علاوه بر این‌که از زندگی در محله‌ای می‌گوید که فضا و آدم‌هایش شبیه ما هستند و جنگ‌های ناخواسته به آنان تحمیل می‌شود و تارومارشان می‌کند، رگه‌هایی از

هزارویک شب و فکر خیامی-بورخسی در آن دویده و از سوی دیگر به رئالیسم جادویی تنه زده است. خلق شخصیت‌هایی چون عمو شوکت به تعبیری بر جمعیت جهان می‌افزاید و به ماندگاری رمان کمک می‌کند. امیدوارم این رمان جای شایسته خود را پیدا کند.

دیگرانی آن را با آثار خالد حسینی، به ویژه بادبک‌باز مقایسه کرده‌اند، از خواندن این رمان احساسی شبیه آثار خالد حسینی به خواننده دست می‌دهد و درمی‌یابد اگر جنگ افروزان بگذارند، همه با هم برادریم. اما به نظر من در غل شبا‌هت و تأثیرگذاری، تفاوت‌هایی هم دارد و چنان‌که اشاره کرده‌ام این ناوت‌ها برمی‌گردد به رئالیسم جادویی و تأثیر از صد سال تنهایی ارک که در نیمه دوم رمان از آن زیاد یاد می‌کند؛ بماند که مارکز استاد است راوی در پی نوپا.

از میان نقدها و نظرهای که رای مانس نوشته‌اند، مقاله‌ای از الکس مک‌دانلد را به تلخیص ترجمه کرده و آنچه را مستقیماً به کتاب مربوط نبوده، از آن حذف کرده‌ام.

از دوستان گرامی عبدالله صمدیان در فریغی بابت مشورت در شعرها بسیار ممنونم. هرچند در نهایت به سلیقه خود عمل کردم. دین محبت جناب فروغی از بابت در اختیار گذاشتن متن عربی که در تلفظ درست اسامی و اصلاح اشعار بس مفید بود، همچنان به من است. همچنین از عنایت استاد محمدرضا مرعشی‌پور در اصلاح اشعار برخوردار شدم.